

در حد بضاعتش و بیش از آن نیز از خود مایه می گذاشت. شاید یکی از دلایل این عزیمت زود هنگام هم همین بود که او در ۲۴ ساعت زندگی، همواره در تلاش کاری ۴۸ ساعته بود.

فرهاد انسانی آرمانخواه بود. تمام زندگی اش را وقف رسیدن به هدف جهانی انسانی تر و عادلانه تر و در خدمت ایجاد فرصت های برابر برای همه انسان ها کرد. از همان روزگار نوجوانی، زمانی که هنوز یک دانش آموز بود، تا روزی که دیگر قلبش از تپش باز ایستاد، در راه اعتقادات و آرمان هایش خستگی نشناخت.

فرهاد انسانی بود معتقد به تشکیلات و مبارزه سازمان یافته برای تحقق اهداف خود. او نه فقط در زندگی سیاسی اش معتقد به تشکیلات بود، او هر کجا که بود، یک پای تشکیلات بود، او در هر تلاش جمعی با دیگران نیز، در همین خارج از کشور همواره به دنبال سازمان دادن هر گام کوچکی بود که امکانی برای آن می دید. رد پای او را در تمامی حرکت های سازمان یافته ای که در محیط زندگی اش - که او در آن ها نقش برجسته ای داشت - و حتی فراتر از این محیط، می توان به عینه پی گرفت.

حضور گرم فرهاد همواره گرمابخش محیط فعالیت ما بود. خاطره او نیز یادش گرامی باد.

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران آبان ۱۳۸۶ - نوامبر ۲۰۰۷

به یاد فرهاد ما

به مناسبت سومین سالگرد درگذشت رفیق فرسید شریعت (فرهاد)

آبان ماه سال ۸۳ بود که فرهاد رفت. سه سال گذشت و ما بدون حضور فرهاد، وارد سال دیگری می شویم. برای ما که همه به حضور بی شائبه فرهاد خو گرفته بودیم، حتی تصور آن را هم نداشتیم که روزی بدون او خواهد گذشت. زندگی بدون فرهاد ادامه یافته است، اما یاد و خاطره او همواره چون خود او همراه ما بوده است.

مرگ را گزیری نیست. در این شکی نیست که زندگی هیچ کدام از ما ابدی نیست. آنچه آن روز ما را غافلگیر کرد، عزیمت زود هنگام فرهاد بود. هنوز همه ما همراه همسر و فرزندان و اعضای دیگر خانواده او از خود سوال می کنیم که چرا این قدر زود رفت. هنوز هم ما همه، وقتی با گریه در کارمان مواجه می شویم، بلافاصله به جای خالی فرهاد می اندیشیم و این که اگر فرهاد می بود، چه می کرد. یاد او نیز به یاران او قوت می دهد. صداقت و صمیمیت او در لحظات دشوار سرمشقی برای همه یاران اوست. فرهاد انسانی بود با قلبی بزرگ، انسانی که سرشار از عواطف انسانی بود. هر کجا که کسی نیاز به کمک داشت، فرهاد بی دریغ آنجا بود. محبت به انسان ها را جزو وظائف انسانی می دانست. هیچگاه به کسی نه نمی گفت.

ماتتوی بلند سیاه

لادن

بهارهزار و سیصد و هشتاد و شش، حوالی دانشگاه

هوا تازه است، زمستان سردی را پشت سر گذاشتیم و اکنون تهران در یکی از زیباترین روزهای خویشت است. دانشگاه را به قصد چای ترک می کنیم. خیابان انقلاب؛ شلوغ و دوست داشتنی، کتاب فروشی ها، خاطره تحسن ها. قدم زنان تا چهارراه ولی عصر می رسیم. اوایل اردیبهشت است. نیروی انتظامی طرح ضربتی حجاب را به اجرا گذاشته. باورمان نمی شود که آزادی اندکی را که از دوره ریاست جمهوری خاتمی در لباس پوشیدن داشتیم اکنون در آستانه نابودی است. بچه های امیر کبیر چند روزی است که به خاطر مسایل درون دانشگاهشان در تحسن هستند و نیروی انتظامی با بهانه و بی بهانه لحظه ای چهار راه را تنها نمی گذارد. تمام خیابان قلمرو ماشینهای گشت ارشاد است.

در حال شوخی و خنده هستیم که ماشین گشت کنارمان نگه می دارد. هر چهار نفرمان مقنعه داریم. مامور زن گشت از ماشین پیاده میشود چادر ملی پوشیده و آرایش دارد. یک نفر را از بین ما انتخاب می کند و صدایش می زند. او از ما جدا می شود. گمانمان این است که کار به یک تذکر ساده تمام می شود و منتظر می مانیم تا دوستان بازگردند. اما به ناگاه در ماشین گشت بسته می شود و او را می برند.

دوستم سخت مریض است و بیماری مادر زادی دارد که نباید تحت فشار عصبی قرار بگیرد. هر سه نفرمان دنبال ماشین می دویم و فریاد می زنیم تا بلکه ماشین یک لحظه بایستد و ما فرصت بیابیم تا توضیح دهیم که دوستان مریض است. به دستپاش زنگ می زنم. جواب می دهد صدایش می لرزد. احساس می کنم اشک می ریزد. میگوید: «من را می برند وزرا. با یک ماتتو بلند و یک بزرگتر که ضامنم شود بیاید آنجا دنبالم. به بابا و برادرم نگوئید. می ترسم از شون». می پرسم: «حالت چطور؟» جواب میدهد: «تشنه هستم. آب بهم نمیدن. میگن باید لیوان داشته باشی». او به علت درمان های طولانی یک کلیه اش را از دست داده. وحشت تمام وجودم را گرفته می ترسم حالش بد شود. ازش می خواهم گوشی را به مامور زن بدهد ولی مامور قبول نمی کند حرف بزند. بهش می گویم: «بگو دوستم التماس می کنه باید با شما صحبت کنه» و او حرفم را برای مامور بازگو می کند. صدایش را می شنوم که می گوید: «نه، بگو بیان با یه ماتتو وزرا دنبالت. تو تعهد میدی بعدش می تونی بری. تلفن رو هم قطع کن» و تلفن قطع شد. < صفحه ۱۱

مبارزه پیروزمندانه کارگران نیشکر «هفت تپه»

صفحه ۳۱ <

سرانجام مسئولان رژیم در برابر استقامت و پایداری کارگران اعتصابی، ناگزیر به عقب نشینی و پذیرفتن پاره ای از خواست های آنان شدند. دریافت حقوق معوقه و برکناری مدیر عامل شرکت از جمله خواست های کارگران بود که در پی این اعتصاب ده روزه تحقق یافت. اگرچه کارگران این کارخانه جهت تأمین مطالبات بر حق خود هنوز موانع بسیاری در پیش رو دارند، اما در شرایط حاکم و در موقعیت تدافعی دشواری که بر حرکت های صنفی کارگران تحمیل گردیده است، موفقیت نسبی این اعتصاب نیز قابل توجه و حائز اهمیت بسیار است.

کارگران مبارز کارخانه نیشکر، با صدور اطلاعیه ای در ۲۴ مهر، خواست های عاجل خود را در شش بند، شامل:

- انحلال «شورای اسلامی» به عنوان مانع تشکل آزاد کارگران.
- حق تشکیل سندیکای مستقل و بدین منظور، تشکیل مجمع عمومی در ساعت ۱ تا ۲ بعد از ظهر هر پنجشنبه برای تصمیم گیری در مورد شرایط کار.
- بازگشت به کار کارگران قراردادی و انعقاد قرارداد با همه آنها.
- پرداخت فوری همه طلب ها به علاوه پاداش و بُن.
- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل.
- برشمردن کار آنها به عنوان کارهای سخت و زیان آور.

با مدیریت جدید مطرح ساخته و اعلام کردند که بر تحقق آنها پافشاری خواهند کرد. با در نظر گرفتن خواست ها و همچنین خطراتی که کار و اشتغال این دسته از کارگران را همچنان تهدید می کند و نیز محدودیت های مبارزات موردی و مقطعی، می توان انتظار داشت که حرکت موفقیت آمیز اخیر کارگران هفت تپه، در واقع مقدمه ای برای حرکت های وسیع تری باشد. مقاومت و مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه، در عین حال، از تجارب ویژگی های معینی در مسیر مبارزات حق طلبانه کارگران ایران برخوردار بود: اعتصابگران هفت تپه تلاش کردند که پشتیبانی و مشارکت دیگر کارگران و فعالان کارگری را نسبت به حرکت خود جلب نمایند. شرکت تعدادی از کارگران کارخانه قند دزفول (که در اثر سیاست های رژیم و سوء مدیریت کارخانه به تعطیلی کشانده شده و کارگران آن هم بیکار شده اند) در تظاهرات و تحسن کارگران کارخانه نیشکر و نیز اعلام پشتیبانی قاطع از این حرکت کارگران از جانب «سندیکای کارگران شرکت واحد» تهران، نشانه ای از موفقیت کارگران هفت تپه در این زمینه بود. همچنین این کارگران کوشیدند که برای خنثی کردن سکوت و سانسور رسانه های داخلی در انعکاس حرکت آنان و تلاش برای بازتاب هرچه وسیع تر آن، ارتباطاتی را با رسانه های خارجی و مجامع بین المللی برقرار نمایند. با ارسال نامه هایی به «سازمان جهانی کار» و «کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری»، کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه ضمن طرح خواست ها و درخواست حمایت این نهادها از مطالبات قانونی و عادلانه شان، از آنها خواستند که دولت ایران را جهت اجرای تعهدات بین المللی آن زیر فشار قرار دهند. □